

جمهوری اسلامی و "پرونده هسته ای"!

در هفته های اخیر به دنبال مذاکرات در مورد "پرونده هسته ای" جمهوری اسلامی فی مابین این رژیم و قدرتهای بزرگ امپریالیستی، بار دیگر تهدید به گسترش تحریم های اعمال شده تاکنونی و وجود "گزینه نظامی" در رابطه با شیوه برخورد با جمهوری اسلامی به تینر اخبار خبرگزاریهای جهان تبدیل شد. قدرتهای بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل یعنی آمریکا، روسیه، انگلستان، چین، فرانسه به اضافه آلمان با توجه به عدم پذیرش تعلیق غنی سازی اورانیوم از سوی رژیم جمهوری اسلامی مشغول بررسی اقدامات بعدی خود در ارتباط با باصلاح جلوگیری از دسترسی این رژیم به سلاح های هسته ای می باشند. دور جدید مذاکرات هسته ای در مورد ایران قبل از هر چیز نشان می دهد که برغم ادعاهای پویشی جمهوری اسلامی مبنی بر "خاتمه" پرونده هسته ای، این "پرونده" همچنان باز است و اربابان جهانی این رژیم وابسته همچنان تحت لوای مقابله با دستیابی حکومت به سلاح هسته ای در حال رقابت و زد و بند با یکدیگر بر سر تقسیم و تجدید تقسیم بازار غنی ایران فیما بین خود می باشند. در این چارچوب است که ما می بینیم مقامات آمریکایی بمنابۀ قدرتمند ترین بازیگر این صحنه در حالی که در تبلیغات خود می کوشند با گرم نگه داشتن تنور جنگ و حمله نظامی به ایران، خطر "جنگ" را به منابۀ شمشیر داموکلسی بر سر رقبای امپریالیست خویش و مقامات مزدور جمهوری اسلامی نگه دارند، درست در همان حال، با فرستادن دیپلماتهای بلند پایه شان نظیر ویلیام برنز به ژنو، رسماً در مذاکره با رژیم شرکت می کنند. البته این جدا از همه مذاکرات پنهانی شان با جمهوری اسلامی است که گاه خبرش به مطبوعات نیز درز می کند. امریکائی ها در حالیکه از آمادگی خود برای "گشایش دفتر حفاظت از منافع آمریکا" در تهران خبر می دهند اما همچنان تاکید می کنند که "گزینه نظامی" را کنار نگذاشته اند.

سیاست های ویران ساز اقتصادی دولت احمدی نژاد!

تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و در پرتو سیاستهای اقتصادی ضد خلقی این رژیم که تماماً در جهت تامین منافع امپریالیستها و سرمایه داران دزد و غارتگر وابسته تنظیم شده، وضعیت کشاورزی ایران روز بروز وخیمتر گشته و حیات و هستی میلیونها تن از کشاورزان زحمتکش و کارگران کشاورزی در معرض نابودی قرار گرفته است. در شرایطی که سران دروغگوی جمهوری اسلامی هر روز در تبلیغات عوامفریبانه خویش فریادهای "افزایش تولیدات کشاورزی" و "خودکفایی" سر می دهند، دولت تبهکار احمدی نژاد با واردات بی رویه محصولات کشاورزی منجمله گندم و پنبه و شکر، از یکسو منافع بورژوازی وابسته به امپریالیسم و دولتهای سودجوی امپریالیستی را برآورده می کند و در همانحال با عدم خرید محصولات داخلی و یا با ارائه ارزانه تر محصول خارجی زندگی زحمتکشان و دهقانان فعال در این عرصه ها را به ورطه نابودی سوق می دهد. بر طبق آخرین آمار منتشره، رژیم جمهوری اسلامی در صد وارد کردن ۶ میلیون تن گندم در سال جاری از خارج است و مقامات جمهوری اسلامی با خرید یک میلیون تن گندم از آمریکا به قیمت ۳۵۰ میلیون دلار در فصل جاری به بزرگترین وارد کننده گندم از این کشور تبدیل شده اند. به گزارش نشریات حکومتی در حالی که جمهوری اسلامی برای واردات نزدیک به ۶ میلیون تن گندم مجبور به پرداخت ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار می باشد، کارشناسان و پژوهشگران کشاورزی کشور تاکید کرده اند که لازمه تولید همین مقدار گندم در داخل کشور با قیمتهای تضمینی، تنها یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود.

تحویل پایگاه مجاهدین به عراق توسط ارتش آمریکا!

بر طبق اخبار منتشره اخیراً نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق توافق کرده اند که کنترل شهرک اشرف که محل استقرار نیرو های سازمان مجاهدین در عراق می باشد را به نیروهای عراقی واگذار کنند. ارتش آمریکا در سال ۲۰۰۲ با اشغال عراق کنترل شهرک اشرف را به دست گرفت. آنها با ضبط تمامی سلاح ها و ادوات نظامی مجاهدین و خلع سلاح آنها خود راساً امر حفاظت و کنترل پایگاه مجاهدین را در دست گرفتند. به موازات این امر مجاهدین مستقر در این پایگاه بر طبق کنوانسیون ۴ ژنو به عنوان پناهنده شناسایی شده و امر حفاظت از جان آنها بر عهده نیروهای اشغالگر قرار گرفت. اما اخیراً نیروهای امریکائی طرحی مبنی بر انتقال کنترل و حفاظت پایگاه های مجاهدین توسط دولت عراق را پیش کشیده اند. از آنجا که جمهوری اسلامی همواره خواهان برجیده شدن پایگاه مجاهدین و تحویل آنها به آن رژیم بوده است و با توجه به روابط حسنه دولت عراق با جمهوری اسلامی بدون شک انتقال کنترل پایگاه اشرف به دولت عراق، امکان دادن امتیاز به رژیم جمهوری اسلامی و پاسخ دهی به خواست این رژیم از طرف دولت عراق کاملاً وجود دارد. در واقع، با توجه به ماهیت ضد خلقی و تبهکار دولت دست نشانده عراق و روابط بسیار نزدیک آن با رژیم جمهوری اسلامی نگرانی در رابطه با سرنوشت نیروهای مستقر در پایگاه مذکور فزونی یافته است. این وضع که سرنوشت نیروهای مجاهدین چنین بازیچه زد و بندهای قدرتهای ارتجاعی قرار گرفته، بدون شک نتیجه اجتناب ناپذیر سیاستهای نادرستی است که سازمان مجاهدین خلق سالهاست در پیش گرفته. اگر چه این یک واقعیت است، اما نباید اجازه داد که حقوق دمکراتیک افراد مستقر در شهرک اشرف به منابۀ پناهنده در زد و بندهای امپریالیستی و قدرتهای منطقه ای پامال گردد و بر این اساس نقض حقوق پناهندگی افراد مذکور عملی مذموم و محکوم است.



البته تا آنجا که به نیت توسعه طلبانه مقامات آمریکایی باز می گردد، در مورد این مقاصد و برنامه های دراز مدت امپریالیسم آمریکا برای گسترش مناطق نفوذ خود کمتر شبیه ای برای افکار عمومی مردم جهان باقی مانده است. حتی با توجه به روند فزاینده سیاست های جنگی دولت بوش و طبقه حاکم در آمریکا در سالهای اخیر و تعرض نظامی و اقتصادی ای که این قدرت بزرگ با بهانه های مختلف بمنظور توسعه حوزه نفوذ خویش در تقریباً سراسر دنیا بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم و همچنین منافع رقبای امپریالیست خویش سازمان داده و با توجه به پیاده شدن این

سیاست ضد خلقی در افغانستان و عراق، در میان رقبا و شرکای امپریالیسم آمریکا نیز کمتر تردیدی در مورد عزم مقامات آمریکایی در تحقق اهداف توسعه طلبانه این قدرت جهانی (البته با بهانه های مختلف نظیر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی) چه از راه نظامی و چه غیر نظامی باقی مانده است. به همین اعتبار است که ما شاهد آنیم که برغم تمامی مخالفت های گاه و بیگاه روسیه و چین و آلمان و فرانسه با تاکیدات آمریکا بر استفاده از حربه نظامی و برغم آن که مقامات مزدور جمهوری اسلامی روشن ساخته اند که تنها به صرف دریافت "تضمین امنیتی" از آمریکا از هیچ اقدامی برای قبول شرایط سلطه بار و استثمارگرانه اربابان خویش مضایقه نمی کنند، اما بازهم دولت آمریکا مایل به حذف عامل "چماق" و "حمله نظامی" و اصولاً سیاست "تعویض رژیمها" از محور سیاستهای خود در مورد منطقه و ایران نیست. چرا که بموازات تشدید بحران اقتصادی در جهان سرمایه داری و در راس آن آمریکا، مدت هاست که دولتمردان این کشور اتکا به سیاستهای جنگی و میلیتاریسم را در راس برنامه های استراتژیک خویش در یک "قرن آینده" قرار داده اند. توسل به سلاح جنگ یکی از اساسی ترین ابزارهای امپریالیسم آمریکا برای تخفیف بحرانهای مرگبار اقتصادی نظام خویش می باشد و اگر تحقق برنامه های کلان آنها در هر مرحله نیازمند فدا کردن رژیمهای خدمتگزارشان باشد از آن دریغ نخواهند کرد.

مواجهه با چنین شرایطی در سالهای اخیر وحشت و زیونی سران جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را بیش از پیش برانگیخته است. مقامات این رژیم در حالی که در چارچوب تبلیغات مربوط به "بحران هسته ای" با سردادن فریادهای پوچ ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی هیچ فرصتی را برای ریختن آب به آسیاب سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا از دست نمی دهند، در همان حال مرتباً

از کانالهای مستقیم و غیر مستقیم برای اربابان آمریکایی خود پیام می دهند که با وجود حاکمیت این رژیم وابسته و جنایتکار منافع غارتگرانه آنها در ایران و منطقه هر چه بهتر و بیشتر حفظ خواهد شد. در



پیشبرد چنین سیاست ضد خلقی ای ست که اخیراً و در حاشیه مذاکرات هسته ای با دولتهای ۱+۵، سید محمد مرندی، مدیر مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه تهران می گوید " چیزی که آمریکایی ها متوجه اش نیستند این است که ایران بسیار بیشتر از هر یک از متحدان ایالات متحده در منطقه، با ثبات است. و هیچ دلیلی نیست که شک کنیم در اینکه این وضع ۲۰، ۴۰ یا ۵۰ سال بیشتر هم دوام خواهد داشت." (لوموند دیپلماتیک، ۲ سپتامبر ۲۰۰۸)

در سخنان این مقام ضد خلقی جمهوری اسلامی حيله گری زیادی نهفته است. درست است که در ظاهر امر و در تبلیغات رسمی ایران جزء "متحدین" آمریکا در منطقه به حساب نمی آید، ولی اگر معیار عمل باشد و نه ادعا می توان با بر شمردن موارد حتی برجسته ای از خدمتگزاری رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم آمریکا در منطقه نشان داد که این رژیم در مواردی حتی بیشتر از متحدین علنی آمریکا به منافع این امپریالیسم در منطقه خدمت کرده و هنوز هم این نقش را به نفع آنها ایفا می کند. اگر از مواردی نظیر خدمات رژیم به دولت آمریکا در جریان اشغال افغانستان، ایجاد تسهیلات برای نیروهای آمریکایی در جریان اشغال عراق و نقشی که جمهوری اسلامی هم امروز در شعله ور نگاه داشتن آتش جنگ در عراق دارد و یا بالاخره کمکهای اخیر حکومت به آمریکا در انتقال سربازان گرجی از عراق به جبهه های جنگ با روسیه از طریق خاک ایران و ... بگذریم، خود عملکردهای این رژیم در خدمت به منافع امپریالیسم آمریکا در ایران بهترین فاکتورها در ارتباط با حقیقت فوق به نمایش می گذارد.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی در طول سه دهه اخیر و از اولین روز روی کار آمدنش توسط امپریالیستها از هیچ خدمتی برای تامین منافع اربابان امپریالیست خود در ایران دریغ نورزیده

است. این رژیم به عنوان "متحد" و خدمتگزار امپریالیسم، با ماموریت سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی-دمکراتیک مردم ما بر سر کار آمد و در طول ۳۰ سال گذشته با توسل به

وحشیانه ترین روشها در راه تحقق این امر گام برداشت تا شرایط لازم برای باز سازی نظام بورژوازی وابسته به امپریالیسم مهیا شود. جمهوری اسلامی در این سالها با سرکوب وحشیانه جنبش های دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای تحت ستم در ترکمن صحرا، کردستان، خوزستان، آذربایجان و بلوچستان؛ با سرکوب وحشیانه اعتراضات کارگری و جنبش انقلابی طبقه کارگر، زنان، دانشجویان با به بند کشیدن و کشتار و قتل عام ده ها هزار تن از فرزندان آزادیخواه، مبارز و بویژه نسلی از کمونیستها؛ با آتش بیاری در جریان ۸ سال جنگ امپریالیستی ایران و عراق؛ با پیشبرد مستقیم برنامه های ویرانگر نهادهای امپریالیستی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در ایران؛ با حراج منابع طبیعی کشور نظیر نفت و گاز در آستان کمپانی ها و دول امپریالیستی؛ با همکاری مستقیم با آمریکا در حمله و اشغال افغانستان و عراق و ... از هیچ اقدامی برای خدمتگزاری به امپریالیستها و در راس آنها آمریکا در ایران و منطقه کوتاهی نکرده است. به این اعتبار جمهوری اسلامی را باید بواقعی یکی از پیششیرندگان سیاستهای امپریالیسم در منطقه و "متحد" آن نامید. اما آنچه که مقامات تبهکار جمهوری اسلامی و نمایندگان آنها نمی فهمند عبارت از این واقعیت است که برغم تمامی این جنایات بر علیه کارگران و زحمتکشانش و خلقهای تحت ستم ما، روزی نیست که جنبش کارگران و توده های ستمدیده با مبارزات و شورشهای خویش در گوشه ای از کشور زمین را در زیر پای سرمایه داران وابسته حاکم نلرزاند و ثبات آنها را به چالش نکنند.

از سوی دیگر حاکمان جمهوری اسلامی این چاکران سرمایه های جهانی بدلیل فقدان دید تاریخی فراموش کرده اند که سلف برحق آنها یعنی رژیم مزدور شاه نیز در حالیکه آشکارا خدمت گزار امپریالیست ها بوده و در جهت تامین منافع آنان و سرمایه داران وابسته، دستانش تا مرفق بخون مردم تحت ستم ما آغشته بود و در مقابل اربابان خویش، از ایران به عنوان "جزیره ثبات و امنیت" برای امپریالیستها نام می برد و حتی در سودای تداوم حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی جشن های آنچنانی برپا می کرد؛ غافل از آن بود که مدت



بسیار کوتاهی پس از آن ادعا ها و تبلیغات فریبکارانه جنبش مردم و انقلاب توده ها بساط ننگین او و رژیم وابسته اش را به زباله دان تاریخ افکند.

در نتیجه این گونه قدر قدرتی ها از سوی جمهوری اسلامی را باید اساسا به

خیزشهای انقلابی و جنبش های اعتراضی وسیع مردمی مواجه است و از سوی دیگر در گره گاه رقابتها و توسعه طلبی های امپریالیستها ئی قرار گرفته که در طول حیات خود نشان داده اند که وقتی موضوع منافع استراتژیک آنها پیش می آید، به راحتی منافع چاکرمنش ترین دوستان خود را نیز زیر پا می گذارند.

حساب تلاش برای خوشرقصی بیشتر در شرایط بحرانی در مقابل اربابان جهانی رژیم گذارد. واقعیت این است که رژیم مزدور جمهوری اسلامی در آستان اربابانشان در شرایط بحرانی ای قرار دارد. این رژیم برغم تمامی تلاش های جنایتکارانه اش برای سرکوب مبارزات توده ها از یکسو با خطر دائمی

سیاست های ویران ساز اقتصادی...

از صفحه ۱

اما همانگونه که اشاره شد دولت احمدی نژاد با اتخاذ سیاستهای خانه خراب اقتصادی و از جمله واردات بی رویه محصولات کشاورزی تنها در صدد تامین سودهای کلان برای سرمایه داران غارتگر وابسته و اربابان آنها می باشد. درست به همین دلیل است که دولت او بجای تشویق و حمایت کشاورزان زحمتکش و خرید محصولات آنان با ایجاد تسهیلات هر چه بیشتر برای واردات کالاها و محصولات امپریالیستی قدرت رقابت تولید کنندگان خرد و زحمتکش داخلی را از آنها گرفته و قدرت و امتیازات دولتی را در جهت تشدید وابستگی دراز مدت به امپریالیستها و تسهیل حرکت سرمایه های امپریالیستی در کشور ما قرار داده است. تحت تاثیر این واقعیت می باشد که ما شاهدیم در تمام طول

حاکمیت رژیم وابسته جمهوری اسلامی هر بار که ضرورت تامین بیشتر منافع و سیاستهای سرمایه داران حاکم ایجاد کرده دولتهای حاکم، با ایجاد تسهیلات برای بخشی از این سرمایه داران وابسته و یا با ایجاد محدودیتها و کنترلهای ضد خلقی بر کار و حیات تولید کنندگان خرد، کشاورزان و زحمتکششان فعال در عرصه های مختلف اقتصادی باعث ضربات جبران ناپذیر بر اقتصاد کشور و در راس آن بر وضعیت اقتصادی وخیم میلیونها تن از کارگران و توده های تحت ستم شده اند. در چارچوب همین سیاستهاست که ما می بینیم بطور مثال در سال ۱۳۸۵ دولت احمدی نژاد بدون هیچ گونه توجه اقتصادی ورود "سیب زمینی بذری" (سیب زمینی ای که از آن بعنوان پذر استفاده می شود) را ممنوع کرد و در نتیجه همین سیاست و نزول سطح کشت و برداشت نه تنها ضربات جبران ناپذیری به کشاورزان زحمتکش وارد شد بلکه باعث گردید که

پس از ده سال ایران از یک کشور صادر کننده سیب زمینی (بمیزان ۲۴۰ هزارتن در سال) به وارد کننده این محصول تبدیل شود و در عوض جیب مشتکی از سرمایه داران زالو صفت و دلالان وابسته به حکومت هر چه بیشتر پر شود. تجلی همین سیاست مخرب در سالهای اخیر را می توان در ورود بی رویه شکر وارداتی توسط سرمایه داران وابسته به دولت نیز دید که چگونه باعث سقوط و ورشکستگی کارخانه های تولید شکر و کشاورزان تولید کننده چغندر قند و بیکاری هزاران کارگر زحمتکش در این ارتباط شد.

نمونه دیگر در مورد کشاورزان چایکار است که در زمان دولت خاتمی با سیل واردات چای زندگی هزاران تن از آنان بخاطر برآوردن طمع ورزی سرمایه داران ذی نفع در ورود چای خارجی به زیر خط فقر سقوط کرد.

ضرب و شتم خانواده های زندانیان سیاسی در خاوران و سنندج!

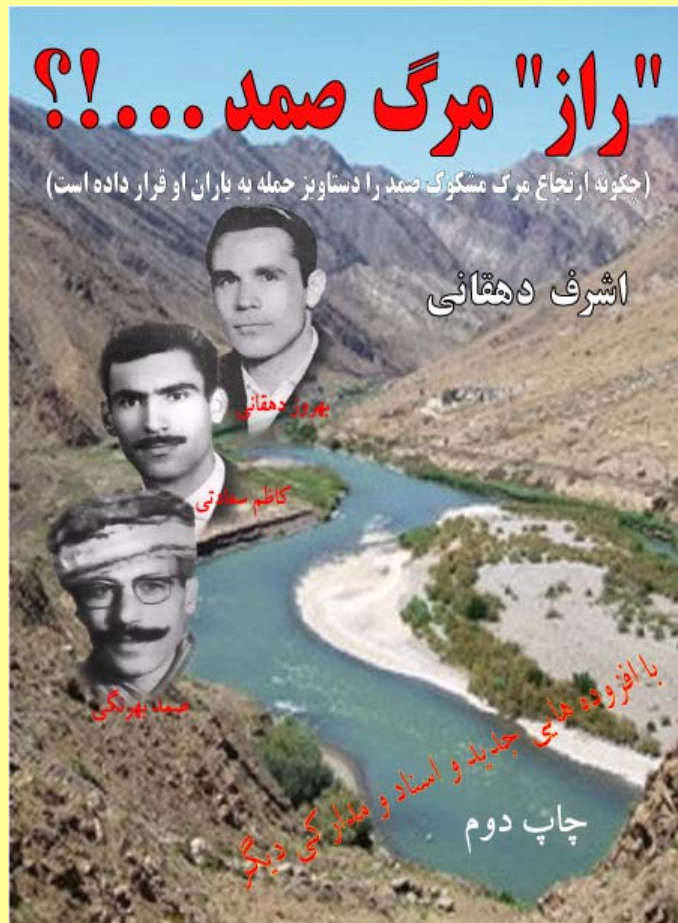
بار دیگر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در تهران و سنندج به سرکوب توده های آگاه و مبارز مبادرت کرده و در سالگرد ننگین ترین جنایات جمهوری اسلامی بر علیه خلفهای تحت ستم ما اینبار خانواده های زندانیان سیاسی قهرمان و جانباختگان قتل عام سال ۶۷ در تهران و سنندج مورد هجوم و ضرب و شتم اوباشان جیره خوار حکومت قرار گرفتند.

در تهران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی امسال از فرط وحشت و هراس حتی از تجمع خانواده های داغدار اعدامیان سال ۶۷ بر سر مزار آنان در خاوران جلوگیری کرد. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قبل از این تاریخ در تماسهای تهدید آمیز تلفنی خود با خانواده های عزیزان جانباخته در سال ۶۷ کوشیدند تا با ایجاد رعب و وحشت مانع از تجمع خانواده های قربانیان اعدام های سال ۶۷ در خاوران شوند. اما این حربه کارگر نیفتاد و بستگان جانباختگان و خانواده های زندانیان سیاسی وقتیکه روز جمعه ۸ شهریور ماه، با ماشین و دسته های گل مطابق رسم نیکوی هر سال به خاوران رفتند، با مزدوران و چماق بدستان جمهوری اسلامی مواجه شدند که ضمن جلوگیری از حضور خانواده های جانباختگان سال ۶۷ در خاوران، وحشیانه به ضرب و شتم آنان پرداخته عده ای را دستگیر نموده و به ماشینهای حامل این افراد خسارت وارد کردند. در خاتمه خانواده ها با پایداری و برغم تمامی تشبثات جمهوری اسلامی در فاصله ای دورتر از خاوران و همچنین در محل قطعه ۳۳ بهشت زهرا جمع شده و در زیر فشار های چماق بدستان حکومت یاد و راه عزیزان خود را پاس داشتند.

در سنندج نیز بدنبال اعتصاب غذای جمعی زندانیان سیاسی کرد و در حمایت از خواستههای آنان، حدود ۲۰۰ تن از خانواده ها و نزدیکان این زندانیان روز ۱۱ اردیبهشت به قصد اعتراض به زندانی شدن و رساندن پیام فرزندان و عزیزان خود در مقابل دادگاه انقلاب این شهر تجمع کردند. اما نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که تحمل کمترین اعتراض هر چند مسالمت آمیز توده ها به دیکتاتوری حاکم را ندارند با سازماندهی قبلی در محل حاضر شده و با فساوت تمام به اذیت و آزار و ضرب و شتم خانواده های بیگناه زندانیان سیاسی کرد پرداختند. بدنبال این اقدام وحشیانه تعدادی از شرکت کنندگان در این تجمع مسالمت آمیز مورد ضرب و شتم نیروهای سرکوب قرار گرفتند. برخی از مجروحان این هجوم جنایتکارانه به بیمارستان منتقل شدند. مزدوران رژیم از معترضین فیلمبرداری کرده و سر انجام تعدادی نیز دستگیر شدند. شایان ذکر است که زندانیان سیاسی کرد در سالگرد قتل عام سال ۶۷ و در اعتراض به قتل عام وحشیانه مردم کرد در "قارنا" و "قلاتان" در آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی به اعتصاب غذا مبادرت کرده اند.



منتشر شد:



برای تهیه این اثر ارزشمند می توانید با

آدرس زیر تماس بگیرید:

ipfq@hotmail.com

مردم ایران در چنگال قرض های خارجی!

یکی از بزرگترین جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول قریب به سه دهه حکومت سپاه خویش بر کشور ما استقراض وام های وحشتناک خارجی و تشدید اسارت حلقه های تحت ستم ما در چنگال انحصارات و بانکها و دول امپریالیستی بوده است. ابعاد این سیاست جنایتکارانه پس از پایان جنگ ارتجاعی ایران و عراق و تشدید هجوم سرمایه های امپریالیستی به ایران در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی مزدور گسترش هر چه بیشتری یافت. دولت "سردار سازندگی" در طول چند سال به نیابت از سرمایه داران زالو صفت و سود جوی وابسته، با حراج بی سابقه منابع طبیعی ایران و عقد قراردادهای "ناصرالدین شاهی" با امپریالیستها، مردم ما را تا خرخره در اسارت ناشی از وامهایی با بهره سنگین گرفتار ساخت و ضمن نابودی حیات و معاش میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان ما ایران را هر چه بیشتر از قبل به یک بازار پرسود وارداتی برای سرمایه داران خونخوار جهانی تبدیل نمود. آثار مخرب این سیاست تا آنجا بود که در مدت بسیار کوتاهی ایران به یکی از وامداران بزرگ نهادهای غارتگر جهانی در منطقه تبدیل گشت.

در همین رابطه اخیرا نشریه اکونومیست گزارش داده که بدهی های خارجی جمهوری اسلامی به نهاد ها و دول امپریالیستی در سال جاری با یک افزایش ۳۰۰ میلیون دلاری برقم ۲۱ میلیارد دلار خواهد رسید. این رقم کلان معادل ۶/۳ درصد تولید ناخالص ملی ایران است.

ارقام فوق در شرایطی انتشار می یابد که همه می دانند با توجه به بالا رفتن بی سابقه قیمت نفت در یک سال گذشته و گذر آن از مرز ۱۰۰ دلار جمهوری اسلامی موفق به کسب میلیاردها دلار اضافه از محل فروش بخوان حراج نفت و گاز مملکت شد. اما با توجه به ماهیت وابسته جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد خلقی این رژیم و سرمایه داران حاکم، درآمدهای اضافه نه تنها منجر به کاهش بدهی های خارجی و افزایش ذخایر ارزی نشده و مشکلی از مشکلات بیشمار اقتصادی توده های تحت ستم ما حل نکرده بلکه با رشد تورم و گرانی و بیکاری و ... فشارهای کمرشکن اقتصادی بر توده های تحت ستم و بویژه میلیونها تن از رنجبرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند هر چه بیشتر افزایش یافته است.

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.siahkal.com>، <http://www.fadaee.org>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید: <http://www.ashrafdehghani.com>

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

زنده باد کمونیزم!

